شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

شهادت و روزه‌داری حقیقی در ماه مبارک رمضان

کامران پورعباس

اولین امام؛ شهید رمضان

شهید ماه مبارک رمضان و اولین شهید محراب عالم تشیع، مولی الموحدین امیرالمؤمنین حضرت امام علی(ع) سخنان زیبا و پرمعنایی در مورد اهمیت و عظمتِ ماه مبارک رمضان و شبهای قدر و روزه‌داری واقعی و حقیقی دارند.

مولا علی(ع) در اولین روز ماه رمضان در مسجد کوفه ضمن ایراد خطبه‌ای بسیار زیبا در وصف ماه مبارک رمضان و راز و رمزهای عظیم و نورانی آن، به پیش‌بینی پیامبر اعظم(ص) درباره شهادت خویش در این ماه اشاره نموده‌اند.

امیرالمؤمنین(ع) در اولین روز ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خوانده و خدا را به بهترین ستایش و برترین و رساترین ثنا ستودند و بر پیامبر خدا محمد(ص) درود فرستاده و سپس فرمودند:

«ای مردم! این ماه، ماهی است که خداوند آن را بر ماه‌های دیگر برتری داده است؛ مانند برتری ما اهل بیت بر دیگر مردم و آن ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت در آن گشوده می‌شود و دعا مستجاب می‌گردد و گریه مورد ترحّم قرار می‌گیرد.

ماهی است که در آن، شبی وجود دارد که فرشتگان از آسمان فرود آمده، بر مردان و زنان روزه‌دار به اذن پروردگارشان تا طلوع سپیده سلام می‌دهند و آن شب، «شب قدر» است. دو هزار سال پیش از آن که آدم(علیه‌السلام) آفریده شود، ولایت من در آن شب مقدّر شد.

روزه گرفتن آن، برتر از روزه‌داری هزار ماه و عمل در آن برتر از عمل در هزار ماه است.

ای مردم! خورشید ماه رمضان بر مردان و زنان روزه‌دار با رحمت می‌تابد و ماه نیز با رحمت بر آنان نورافشانی می‌کند و هیچ روز و شبی از این ماه نیست، مگر آنکه پروردگار متعال بر سر این امّت نیکی می‌افشاند. پس هر کس از ریزش نعمت الهی ذرّه‌ای بهره مند گردد، در روز دیدارش با خدا، نزد خداوند گرامی خواهد بود و هیچ بنده‌ای نزد خدا گرامی نگردد مگر آن که خداوند بهشت را جایگاه او قرار می‌دهد.

بندگان خدا! این ماه شما، همچون دیگر ماه‌ها نیست. روزهایش برترین روزهاست و شبهایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعت است. آن ماهی است که شیطان‌ها در آن دربند و زندانی‌اند. ماهی که خداوند در آن روزی‌ها و اجل‌ها را می‌افزاید و نام میهمانان خانه‌اش را می‌نویسد. ماهی که اهل ایمان با آمرزش و رضای الهی، با شادی و نعمت‌های الهی و با خشنودیِ فرمانروای دادگر و توانا پذیرفته می‌شوند.

ای روزه‌دار! در کار خویش نیک بنگر، که در این ماه، میهمان پروردگار خویش هستی. بنگر که در شب و روزت چگونه‌ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی خدا حفظ می‌کنی. بنگر تا مبادا شب در خواب باشی و روز در غفلت؛ پس این ماه بر تو بگذرد و بار گناهت همچنان بر دوشت مانده باشد؛ پس مبادا آن هنگام که روزه‌داران پاداش‌های خود را می‌گیرند، تو از زیانکاران باشی و آن زمان که به کرامت فرمانروای خویش نائل می‌شوند، از محرومان گردی و آن گاه که به همسایگی با پروردگارشان سعادتمند می‌شوند، تو از طردشدگان باشی.

ای روزه‌دار! اگر ازدرگاه صاحبت رانده شوی، به کدام درگاه روی خواهی آورد و اگر پروردگارت محروم سازد، کیست که روزی ات دهد و اگر تو را خوار شمرد، کیست که اکرامت کند و اگر ذلیلت ساخت، کیست که عزتت بخشد و اگر تو را واگذاشت، کیست که یاری‌ات کند و اگر تو را در جمع بندگانش نپذیرفت، بندگی‌ات را به آستان چه کسی خواهی برد و اگر از خطایت در نگذشت، برای آمرزش گناهانت به که امید خواهی بست و اگر حق خویش را از تو طلبید، حجّت تو چه خواهد بود؟

ای روزه‌دار! در شب و روز با تلاوت کتاب خدا، به او تقرّب بجوی که همانا کتاب خدا شفیعی است که روز قیامت شفاعتش برای قرآن خوانان پذیرفته است و با خواندن آیات آن از درجه‌های بهشت بالا می‌روند.

مژده‌ای روزه‌دار! تو در ماهی هستی که روزه‌داری ات در آن واجب، نفس کشیدنت در آن تسبیح، خفتنت در آن عبادت، طاعتت در آن پذیرفته، گناهانت در آن آمرزیده، صداهایت در آن شنیده شده و مناجاتت در آن مورد ترحم است.

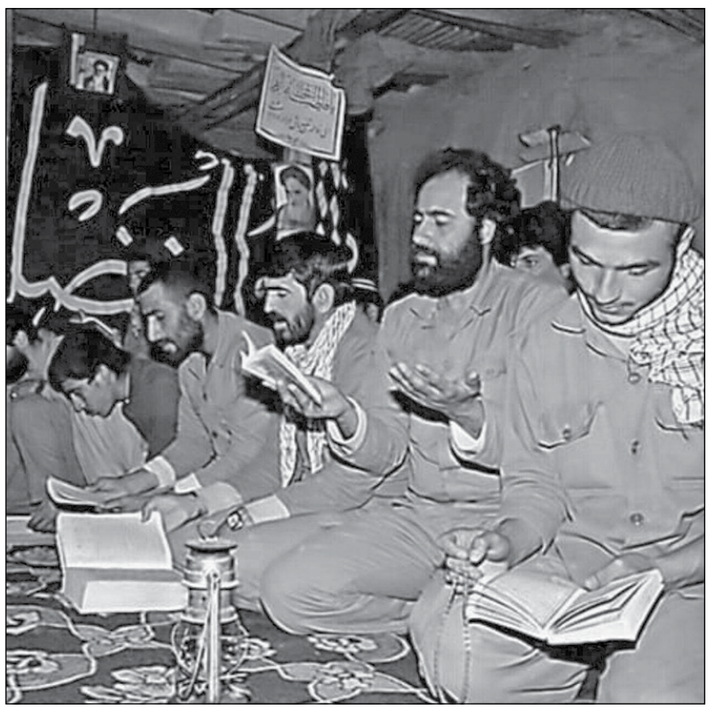

شهدای ماه رمضان

شهید حجت‌الاسلام سیدعلی اندرزگو از نخستین شهیدان روزه‌دار نهضت امام خمینی است که ۱۸ رمضان سال ۱۳۱۸ متولد شد و در روز دوم شهریور سال ۱۳۵۷ مصادف با نوزدهم ماه رمضان مورد اصابت ده‌ها گلوله ساواک قرار گرفت و به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

آیت‌الله محمد صدوقی سومین شهید محراب انقلاب اسلامی، ۱۰ رمضان مصادف با ۱۱ تیر ۱۳۶۱ بعد از اقامه نماز جمعه به دست منافقان کوردل به شهادت رسید.

بسیجی سعید نوری تاجر در حالی که تنها ۱۸ سال سن داشت و در منزل پدری خود بر سر سفره افطار نشسته بود، به دست منافقین کوردل به خاطر عضویت در بسیج و حضور در جبهه‌های جنگ با متجاوزان در مقابل چشمان مادرش به شهادت رسید. دردناک‌تر این که مجاهدین خلق به بهانه دادن آش نذری به مناسبت شهادت امیرالمؤمنین(ع) درب خانه این پاسدار جوان را می‌زنند و تا مادر سعید در را باز می‌کند، با مسلسل به داخل خانه ریخته و سعید را کنار سفره به گلوله می‌بندند. به این ترتیب سعید نوری در ۲۲ تیر ۱۳۶۱ مطابق با ۲۱ رمضان ۱۴۰۲ به شهادت می‌رسد.

خلبان محمد نوژه ۲۳ رمضان مصادف با ۲۵ مرداد سال ۱۳۵۸ و شهید سرلشکر عباس دوران رکورددار تعداد پرواز جنگی در آخرین روز ماه رمضان مصادف با ۳۰ تیر سال ۱۳۶۱ به شهادت رسید. پاسدار شهید غلامحسین(حمید) عارف دارابی در روز ۱۳ رجب سال ۱۳۳۶ متولد و در روز ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۱ مصادف با ۲۳ تیر ۱۳۶۱ در عملیات رمضان به شهادت رسید.

شهید حسن حسن پور فرمانده گردان علی بن ابی‌طالب(ع) لشکر ۲۵ کربلا در عملیات رمضان در تاریخ بیست و سوم تیرماه ۱۳۶۱ مصادف با بیست و یکم ماه مبارک رمضان به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

شهید رمضان عالی زاد در ماه رمضان ۱۳۴۰ به دنیا آمد و به همین خاطر نامش را رمضان گذاشتند. شهید عالی زاد در ماه رمضان به دنیا آمد، ماه رمضان به جبهه رفت و در عملیات رمضان که در ماه رمضان ۱۳۶۱ انجام شد، به شهادت رسید تا شهید رمضان لقب بگیرد.

سردار شهید سید علی دوامی در ۲۱ رمضان سال ۱۳۴۶ چشم به جهان گشود. وی آرزوی شهادت در روز تولدش را داشت و برای دوستانش می‌گفت: همان شبی که به دنیا آمدم از دنیا خواهم رفت. سعی می‌کرد روز تولدش در جبهه‌ها باشد تا اینکه طبق آرزویش در ۲۱ رمضان سال ۱۳۶۷ به فیض شهادت نائل شد. دوستانش می‌گفتند: در شب شهادت حضرت علی(ع) لباس سیاه بر تن کرد و شال سبز برکمر بست و خود را معطر ساخته بود بسیار خوشحال بود و می‌گفت امشب شب شهادت من است. مادر شهید سیدعلی دوامی راز ۲۱ را این چنین تعریف نموده است: در سن ۱۵ سالگی ازدواج کردم. ۲۱ ساله بودم که در ۲۱ رمضان، علی به دنیا آمد و در ۱۸ اردیبهشت‌ماه سال ۶۷ مصادف با ۲۱ رمضان و در حالی که علی تنها ۲۱ سال از عمرش می‌گذشت در خاک مقدس شلمچه به درجه شهات نائل گشت تا «سردار راز ۲۱» لقب بگیرد.

روحانی شهید مهدی توکلی معروف به اولین شهید محراب سیستان و بلوچستان در سال امام علی(ع) ازدواج نمود. بعد از پایان مراسم، به عنوان اولین هدیه، قاب عکسی به همسرش تقدیم نمود که حدیثی از مولا علی(ع) روی آن نوشته شده بود. شهید توکلی بعد از سه سال کسب علم و فیض در شهر مقدس قم به منطقه‌ای محروم از سیستان و بلوچستان هجرت نمود و مسئولیت تبلیغ و امام جماعت مسجد روستای افتخارآباد خاش را بر عهده گرفت. در سال۱۳۸۶ که برای مراسم احیاء و شب زنده داری شب ۲۱ ماه مبارک رمضان به مسجد رفته بود توسط خوارج زمانش در تیراندازیِ اشرار کوردل و منافق به شهادت رسید.

نام شیخ الشهدای مظلوم کردستان، علامه شیخ الاسلام و شهید ماموستا ملا برهان عالی چون نگینی درخشان بر تارک قوم کرد می‌درخشد. ملا برهان عالی امام جمعه مسجد قبای سنندج بود که به اقامه نماز جمعه در این مسجد باشکوه می‌پرداخت و در خطبه‌های نماز جمعه به ترویج تعالیم دینی و وحدت اسلامی اهتمام می‌ورزید و مخصوصاً به رونق و شکوه نمازهای تراویح و دعای شبهای قدر کمال می‌بخشید تا جایی که عوامل استکبار این رونق را برنتافتند و دشمنان وحدت در ۲۱ شهریور ۱۳۸۸ برابر با ۲۲ رمضان المبارک ۱۴۳۰ حدود ساعت ۱۲ شب پس از اتمام نماز تراویح، با مراجعه به درب منزلش وی را خارج و مورد حملهٔ مسلحانه قرار داده و به شهادت رساندند.

شهید حسین غفاری نژاد یکی از سربازان گمنام امام زمان (عج) و تنها فرزند پسر سردار سرتیپ محمد غفاری نژاد معاون سابق امنیتی انتظامی استان خراسان رضوی، در ۲۶ مرداد ۱۳۸۹ در درگیری با اشرار در سیستان و بلوچستان به درجه رفیع شهادت نایل آمد. وی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۹ در جریان درگیری در عملیات آزادسازی گروگان از دست اشرار و تروریست‌ها در زاهدان به شهادت رسید.

عبدالله یاری محیط بان منطقه لشگردر ملایر، در هنگام تعقیب وگریز شکارچیان غیرمجاز، در اثر اصابت گلوله به شریان اصلی، در ۱۳ مرداد ۱۳۹۱ با زبان روزه به شهادت رسید.

سوم تیرماه ۱۳۹۵ در ایام شهادت امیرالمؤمنین(ع)، محمد دهقانی و پرویز هرمزی دو تن از محیط‌بانان منطقه حفاظت شده گنو در هرمزگان طی مأموریت گشت و کنترل در ضلع غربی منطقه حفاظت شده گنو، شکارگاه سیاتک و تنگه گچ در جریان درگیری با شکارچیان متخلف بر اثر شلیک گلوله مستقیم به شهادت رسیدند.

حجت‌الاسلام محمد اصلانی همزمان با سومین روز از ماه رمضان سال ۱۴۰۱ در طی جنایتی در حرم مطهر امام رضا(ع) توسط ضربات چاقوی یک تکفیری به فیض شهادت نائل آمد. شهید حجت‌الاسلام محمد صادق دارایی دومین طلبه شهید جنایت تکفیری در حرم مطهر رضوی بود که در حرم مجروح و دو روز بعد در بیمارستان به شهادت رسید.

شهیدان علی امرائی و حسن غفاری و محمد حمیدی پنجم ماه مبارک رمضان ساعت ۱۱ صبح با زبان روزه به شهادت رسیدند و تنها تکه‌هایی از پیکرشان توسط شهید حاج قاسم سلیمانی به خاک وطن بازگشت. آن روز دشمن برای ترور حاج قاسم کمین کرده بود. قرار بود که حاج قاسم از معبری عبور کند ولی یک ساعت قبل این سه شهید که در خودرویی پر از مهمات و سلاح‌های انفجاری سوار بودند، زودتر از معبر عبور می‌کنند و مورد هدف موشک تکفیری‌ها قرار می‌گیرند. بعد از یک ساعت که سردار دل‌ها با همراهانش به محل شهادت بچه‌ها می‌رسد، خیلی متأثر می‌شود و خیلی گریه می‌کند و با وجود اصرار اطرافیان خودش پیکرهای اربا اربا شده را جمع می‌نماید. تکه‌هایی از پیکرهای هر سه شهید به ایران فرستاده شده و تشییع و خاکسپاری می‌گردند.

همزمان با ایام فاطمیه در سال ۱۴۰۲ هویت پیکر مطهر ۸ شهید مدافع حرم ایرانی شناسایی شدند. این شهدا بیش از ۶ سال گمنام بودند. یکی از این شهدا شهید سید مصطفی صادقی تنها شهید مدافع حرم سازمان انرژی اتمی بود که در دومین مأموریت خود به سوریه در ۱۶ خردادماه سال ۹۶ مصادف با یازدهم ماه مبارک رمضان در وقت افطار در حماء به دست تکفیری‌های جنایتکار به شهادت رسید.

شهید میلاد حیدری از مستشاران نظامی ایران در سوریه بود که یازدهم فروردین ۱۴۰۲ مصادف با نهم ماه مبارک رمضان در حمله جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در حوالی دمشق به شهادت رسید. پاسدار شهید بهروز واحدی نیز که از مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه بود، در هفتم فروردین سال ۱۴۰۳ مصادف با پانزدهم ماه مبارک رمضان در دیرالزور توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسید.

بیش از هفده هزار شهیدِ ماه رمضان

بیش از هفده هزار شهید ماه رمضان داریم که بیشتر آنها در دفاع مقدس به شهادت رسیده‌اند. بیش از ۱۴ هزار و ۷۰۰ نفر از شهدای دوران دفاع مقدس در ایام ماه مبارک رمضان به شهادت رسیده‌اند. عملیات رمضان در تیر ماه ۱۳۶۱ مصادف با ۲۱ رمضان مقارن با شهادت مولای متقیان امام علی(ع) آغاز شد و تعدادی از شهدای روزه‌دار در این عملیات به شهادت رسیدند.

بررسی وصیت نامه شهدا نشان می‌دهد در این متون بر «روزه‌داری»، «تاکید به قرائت قرآن»، «دعا برای رزمندگان اسلام»، «آرزوی شهادت و پیروزی در ماه مبارک رمضان» و «استجابت دعا در ماه رمضان» به صورت ویژه تأکید شده است.

۵۱۹۶ شهید در وصیتنامه خود به کلیدواژگان درباره «روزه» و «روزه‌داری» اشاره کرده و یا توصیه‌هایی در این باره داشته‌اند.

یکی از شهدای دفاع مقدس که توضیحات مفصلی در مورد روزه‌داری حقیقی و واقعی در وصیتنامه‌اش ذکر شده، شهید محمدحسن طاووسی است.

روزه‌داری صحیح و مقبول

شهید طاووسی در شهرستان یزد به دنیا آمد و درس خواند و با آغاز جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی راهی جبهه‌های حق علیه باطل گردید و در ۲۳ تیر ۱۳۶۱ در شلمچه به شهادت رسید. پیکرش مدت‌ها در منطقه بر جای ماند و پس از تفحص در ۱۲ خرداد ۱۳۷۴ در گلزار شهدای خلدبرین به خاک سپرده شد.

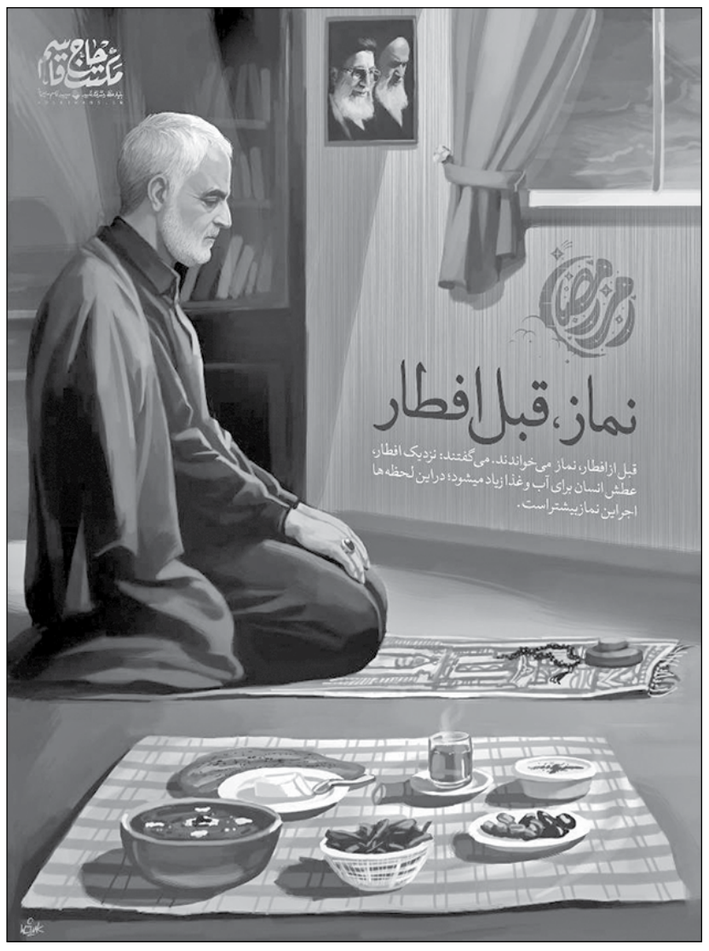

شهید طاووسی معتقد بود: «جبهه دانشگاه است. دانشگاهی است که معلم و فرمانده آن امام زمان(عج) است.»

در وصیتنامه شهید طاووسی در مورد عظمت ماه مبارک رمضان و اهمیت روزه‌داری و روزه‌داری صحیح و روزه مقبول آمده است:

«در ماه رمضان که ماه بخشش [است]، روزه‌های‌تان را بگیرید و در آخر وقت‌هایش به درگاه لایزال الهی روید و دعا کنید حتماً که دعای شما مستجاب می‌شود: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»، بخوانید مرا تا استجابت کنم شما را. پس می‌فهمیم که خدا می‌گوید، خصوصاً در ماه مبارک رمضان وقتی که شما روزه‌اید، راه رفتن شما عبادت است، خوابیدن و نشستن شما عبادت است، نفس کشیدن شما عبادت است. اینقدر از بوی دهان انسان روزه‌دار خدا خوشش می‌آید و پاداش‌هایی برای او عنایت می‌کند.

ضمناً کسی که روزه می‌شود فقط این نیست که از خوردن و آشامیدن و سر به زیرآب کردن خودداری کند؛ بلکه زبانش روزه باشد، یعنی غیبت نکند، فحش ندهد. چشمش روزه باشد؛ یعنی به چیزهای حرام نگاه نکند. گوشش روزه باشد؛ یعنی به آوای موسیقی گوش ندهد و غیره، بلکه گوش خود را به آوای قرآن و دعا سوق دهد و غیره.

اگر این‌طوری روزه بودی حقا که روزه‌ات به درگاه الهی قبول می‌شود و دعایت آمرزیده می‌شود. مبادا که به طور عمد روزه‌ای را قضا کنید که می‌دانید کفاره دارد.»

نمازهای قبل از افطارِ حاج قاسم

به عنوان حُسن ختام این گزارش، یادی می‌نماییم از نمازهای قبل از افطارِ سردار دل‌ها و جان‌ها.

زینب سلیمانی فرزند سپهبد شهید قاسم سلیمانی، با اشاره به گوشه‌هایی از آداب روزه‌داری پدرش نوشت: قبل از افطار، نماز می‌خواندند. می‌گفتند: نزدیک افطار، عطش انسان برای آب و غذا زیاد می‌شود. در این لحظه‌ها اجر این نماز بیشتر است.

یادی از روحانی شهید حسن محمدنژاد

دعای مستجاب

سعید رضایی

امام جماعت قامت بست...

الله‌اکبر.

مکبر طوری که بچه‌های بیرون سنگر هم بشنوند داد زد: الله‌اکبر تکبیرةالاحرام...

بچه‌ها تازه وضو ساخته، با آستین بالازده و با شتاب، یکی یکی داخل سنگر می‌شدند تا صف‌های نماز جماعت را پرکنند.

صف‌ها منظم شده بود وقتی که برادر محمدنژاد از رکوع برخاست.

مکبر با لحنی آهنگین و اما آرام‌تر از دفعه قبل ندا داد: سمع الله لمن حمده. الله‌اکبر...

حال و هوای شب‌های قبل از عملیات کربلای پنج هنوز در میان بچه‌ها حاکم بود.

شانه‌های لرزان بچه‌ها همه گواه قنوتی بارانی بود که بی‌صدا بر سرزمین سجاده و دست‌های به آسمان گرفته شده، باریدن داشت.

اشک‌ها، بی‌صدا جاری و صدای حسن محمدنژاد در سنگر پیچید که با استغاثه دعا می‌کرد: اللهم ارزقنا شهاده فی سبیلک...

نماز مغرب و عشا تمام شد و بچه‌ها به سرعت سفره دعای کمیل شب جمعه را در کنار سجاده‌هاشان پهن کردند.

همه تشنه مناجات بودند و دل‌ها همه تپیدن گرفته بود با کلمات کمیل...

اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء... صدای برادر محمدنژاد سوز عجیبی داشت این را بچه‌ها تا آخر دعا حس می‌کردند.

بعد از دعا، انگار گمشده‌ای داشته باشد، از سنگر بیرون زد تا هوایی تازه کند، یکی از رزمندگان در حین بیرون رفتن از سنگر گفت:

- کجا می‌ری برادر محمدنژاد؟

- همین الان برمی‌گردم...

این را گفت، اما بچه‌ها هرچه منتظر ماندند، برادر محمدنژاد به سنگر بازنگشت. بعد از مدتی یکی از رزمندگان او را پیدا کرد.

کمی آن‌طرف‌تر از سنگر دعای مستجابش او را بر اثر اصابت یک ترکش به آسمان پرواز داده بود.

حسین محمدنژاد در تابستان ۱۳۴۲ در خانواده‌ای مذهبی متولد شد، پدرش در یادآوری از دوران کودکی وی می‌گوید: حسین از زمان طفولیت به مسائل دینی علاقه شدیدی نشان می‌داد، قبل رسیدن به سن تکلیف نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت.

همزمانی دوران نوجوانی وی با دوران انقلاب اسلامی باعث شد تا به سمت مبارزات کشیده شود.

دوستان و همکلاسی‌هایش را در مسجد محل گرد آورده بود تا به آنها قرآن بیاموزد، در همان کلاس‌ها به واسطه ارتباطی که با مسجد داشت، کارهای ارشادی و سیاسی‌اش را آغاز کرد.

پخش اعلامیه و نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) و برپایی تظاهرات ضد رژیم در محله راه‌آهن از جمله فعالیت‌های حسن محمدنژاد در دوران قبل از انقلاب بود.

مسجد انبار گندم پایگاه فعالیت محمدنژاد بود تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید و پس از آن نیز در همان جا زیر نظر حجت‌الاسلام شهید گلاب‌چی، فعالیت فرهنگی و نظامی انجام می‌داد.

پایگاه مسجد انبار گندم، محل اعزام گروه‌های مردمی به نقاط محروم کشور بود و او از این محل کارهای جهاد سازندگی را سامان می‌داد.

علاقه حسن محمدنژاد به علوم دینی باعث شد تا در آن روزها در مدرسه علمیه حضرت آیت‌الله مجتهدی به تحصیل بپردازد.

با آغاز جنگ در چندین مرحله به مناطق مختلف عملیاتی اعزام شد، به عنوان مبلغ و رزمنده در عملیات‌های مهران و کردستان حضور مؤثر داشت.

در سال ۱۳۶۱ به عنوان مسئول امور تربیتی اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران مشغول بکار شد و در مدرسه شهید نامجو نیز به تدریس علوم دینی پرداخت.

در همین سال گروه‌های سرود دانش‌آموزی تشکیل می‌داد و با قبول مسئولیت آنها را به مناطق عملیاتی اعزام می‌کرد تا برای رزمندگان سرود اجرا کنند.

در سال ۱۳۶۴ در سالروز ولادت حضرت صاحب الزمان (عج) در مراسمی با حضور آیت‌الله مهدوی کنی لباس روحانیت بر تن کرد.

حسن محمدنژاد یک هفته قبل از شهادت در وصیتنامه‌اش می‌نویسد:

«الان زمان امتحان بزرگ و سراسری خداوند بر مردم است و هر کس با فداکاری و حمایت بحق خود از این انقلاب الیه و رهبرش، در امتحان قبول شود بداند که فردای قیامت در نزد خداوند متعال و اولیاءالله سرافراز است و افسوس نمی‌خورد و از آن طرف هر کس با نق‌زدن‌های بی‌مورد و شکم‌پرستی‌های غیرانسانی نافرمانی کند و کم‌کاری نماید و مخالف این جنگ الهی باشد بداند که مخالفت خود را با خداوند و پیامبر(ص) و ائمه(س) اظهار نموده و فردای قیامت در جهنم می‌سوزد گرچه ظاهرا اهل عبادت‌های کذائی هم باشد.

وی در ادامه این‌چنین می‌نگارد: «این را باید بگویم که استقرار کردن اسلام زحمات زیادی داشته و کمبودهائی ایجاد کرده و جنگ‌هائی دربر داشته که این خود امتحان است و برای سنجش میزان ایمان افراد و امید است به یاری خداوند متعال سعی کنیم قبول شویم و فردای قیامت در مقابل پیامبر و شهدای مخلص سرافراز باشیم.»

وی در وصیتنامه‌اش خطاب روحانیون معظم و طلاب عالیقدر می‌نویسد: «سعی کنید در ضمن درس خواندن، وظایف دیگر را هم انجام دهید و وظایف خود را در درس خواندن منحصر نکنید و دارای عمل هم باشید و جبهه‌ها را پر کنید و بدانید که درس اصلی و الهی و عملی که مورد پسند خداست در جبهه‌هاست و کاری کنیم که فردای قیامت عمل‌های بی‌عمل‌مان را به سینه‌هایمان بچسبانند و در مقابل خود، شهدای اسلام، شرمنده نباشیم و امید است خداوند به بچه‌ها توفیق عمل کردن به فرائض الهی را بدهد.»

وی همچنین به دانش‌آموزان خود نیز وصیت می‌کند: «درس خود را خوب بخوانید و توام با درس خواندن، بلکه مقدم بر درس- فرائض الهی را خوب انجام دهید و از هم اکنون انقلابی و امامی بار آیید و سعی نمایید و حرف پدر و مادر زحمتکشان را گوش دهید و به بزرگ‌ترها مخصوصا پدر و مادر و معلمین دلسوزتان احترام بگذارید و بالاخره بدانید که شما امیدهای آینده اسلام هستید و دنبال‌رو بچه‌های بدون آبرو نباشید و به حزب‌اللهی بودن خود افتخار کنید.

در خاتمه از همه دوستان التماس دعا دارم و از همه برایم حلالیت بطلبید...»

سرانجام حسن محمدنژاد در عملیات کربلای ۵ شلمچه در شب جمعه بعد از خواندن نماز جماعت و دعای کمیل برای تجدید وضو در خارج از سنگر مورد اصابت ترکش قرار گرفته و به شهادت می‌رسد.

توصیه آخر شهید:

«در خاتمه باز می‌گویم که ای مردم کمی به فکر خدا باشید و به واسطه کمی نابسامانی‌های مادی، خدا را رها نکنید و به یاد آخرت و خون شهدا باشید و از آتش سوزان جهنم بپرهیزید. من همیشه به یاد شما بوده و هستم.»

یک ستاره از آن هزار

محمدعلی

ابوالقاسم محمدزاده

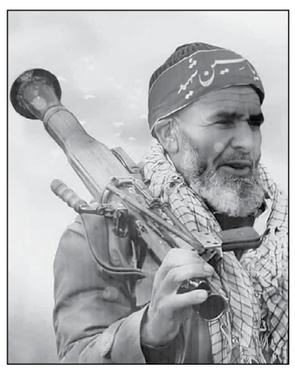

مدت‌هاست هر کسی را در خیابان می‌بینم توی دلم می‌گویم؛ چقدر قیافه‌اش آشناست؟ دچار این سندروم شده‌ام. همه‌وهمه برایم آشنا هستند.

- چقدر آشنایید شما؟

- کجا همدیگر را دیده‌ایم؟

- چهره شما هم برای ما آشناست.

هرچه تلاش می‌کنم به یاد نمی‌آورم کجا همدیگر را دیده‌ایم. چیزی توی ذهنم فرود می‌آید. یک پیغام، یک الهام. یک چیزی می‌خواهد که جواب این آشناپنداری‌های پشت هم و ناتمام را بدهد: «اینکه ما شبیه به‌هم شده‌ایم.».

این شبیه به‌هم بودن، حالا که پیر شده‌ام و گرد پیری به سر رویم نشسته بیشتر مرا به خودم می‌آورد، بهتر به او فکر می‌کنم و دوباره می‌پرسم؛

- کجا همدیگر را دیده‌ایم؟

به یاد آن روزها می‌افتم، شوق شهادت چیزی بود که در جبهه زیاد دیده می‌شد. گاهی آدم‌هایی سر راه‌مان قرار می‌گیرند که برای ما الگو می‌شوند و حالا ستاره‌ای برای سیاه‌مشق‌های یک نویسنده؛ محمدعلی باقریان ستاره من است که به ظاهر در قوچان به دنیا آمده بود و از همان‌جا به منطقه اعزام، اما در عالم معنا و بعد معنوی در کربلای ۵ ستاره شد.

حالا که ریشم سفید شده او را بهتر می‌فهمم و معنای ناله‌ها و گلایه‌هایش را که می‌گفته؛ «چرا شهید نمی‌شوم» را بهتر درک می‌کنم.

از خودم می‌پرسم؛ راستی! چرا شهید نشدی «قاسم»؟

عاقبت‌به‌خیر شدن و چگونه رفتن مهم است و محمدعلی، یک الگوی تمام‌عیار؛ و نمونه‌ای از ده‌ها حبیب بن مظاهر کربلای ایران اسلامی بود که با سن و سال بالایش به جبهه آمد. محسن افخمی، همرزمش می‌گوید؛

«من در منطقه دعا می‌خواندم و این امر باعث شده بود که محمدعلی به من علاقه پیدا کند. هر زمان عملیاتی انجام می‌شد و به پایان می‌رسید، پیشم می‌آمد و دست دور گردنم می‌انداخت و می‌گفت:

این عملیات هم تمام شد چرا من شهید نشدم؟ چرا خدا من را نمی‌برد؟ عملیات میمک، مصادف با ایام محرم بود و او شب‌ها تا صبح بیدار می‌ماند و گریه می‌کرد. به من می‌گفت: شب عاشورا است و تو خوابیدی. او بین چادرها راه می‌رفت و روضه می‌خواند و گریه می‌کرد».

الگو و ستاره امروزم، همان حبیب بن مظاهری است که در شب عاشورا با شمشیرش عشق‌بازی می‌کرد و با شوق شهادت تا سحر عبادت. چه زیبا ستاره‌ام شد. ستاره‌ای که زاده اردیبهشت‌ماه بود و طی عملیات کربلای ۵، آن‌هم روز اول بهار، ۱۳۶۶/۱/۱ درخشید و خاک‌های گرم و خونین شلمچه شاهد تولد ستاره من و آسمانی شدنش بود. محمدعلی باقریان ستاره شد تا روشنی‌بخش راه‌مان باشد و راهنمای گم‌گشتگان.....

موضوع: شهید محمدعلی باقریان

یک شهید، یک خاطره

باید روزه بگیرم

مریم عرفانیان

یک روز برخلاف عقیده مادرم که معمولاً نمی‌خواست بچه‌هایش قبل از سن تکلیف روزه بگیرند، سید علی روزه گرفته بود. وقتی مادر متوجه این موضوع شد به دنبال سید علی گشت تا بگوید روزه‌اش را بخورد؛ اما حریف او نشد. مادرم پیش یکی از همسایه‌ها که معلم قرآن و آدم خوبی بود رفت و گفت: «حاج‌آقا! این بچه از شما حرف‌شنوی داره بیایین و وادارش کنین که روزه‌اش رو بخوره.»

تا سید علی متوجه کار مادر شد، داخل حوضی که آب آن یخ بسته بود رفت. یخ‌ها را شکست و گفت: «اگه از روزه گرفتنم جلوگیری کنین از اینجا بیرون نمی‌آم... من باید روزه‌ام‌رو بگیرم...»

مادر که شدت علاقهٔ او را دید، دیگر مانعش نشد...

بر اساس خاطره‌ای از شهید سید علی حسینی ابراهیم‌آبادی
راوی: سید عباس حسینی، برادر شهید